**مدیریت یکپارچه شهری در مسائل اقتصادی برای مقابله با مدیریت ناکارآمد در اقتصاد شهری**

یکی از مهمترین مولفه هایی که در اقتصاد شهرها مورد بحث قرار می گیرد بحث مدیریت اقتصادی شهر است. موتور اقتصادی کشور در شهرها شکل میگیرد بنابراین این موتور اقتصادی نیازمند مدیریت قدرتمند و یکپارچه ای است. هنگامی که این قضیه به طور مناسب تحقق پیدا نکند یک شهر و مجموعه در دنیای امروزی نمی تواند به مراتب بالاتر دست یابد.

علم اقتصاد شهرى به مطالعه ى اقتصادى مناطق شهرى می پردازد. در اين رشته، از ابزارهاى علم اقتصاد براى تجزيه و تحليل مسائل مربوط به مكانيابى بنگاه ها و خانوارها در شهر(كاربرى اراضى شهرى)، مسكن شهرى، ترابرى شهرى، زيرساخت ها و تسهيلات شهرى، ماليه شهرى و فقر و حاشيه نشينى در شهر استفاده می شود. به عبارت دقیق تر، علم اقتصاد شهرى شاخ هاى از اقتصاد خُرد است كه در آن ساختار فضايى شهر و مكان گزينى خانوارها و مؤسسات اقتصادى مطالعه مى شود.(بهروز هادی زنوز، 1388)

اقتصاد شهری یکی از جدیدترین رشته های تخصصی اقتصاد است. این شاخه از اقتصاد ریشه در تئوری های مکانی وان توننا، کریستالر، و لوش دارد که فرآیند تحلیل های اقتصاد فضایی را آغاز کردند. اما شالوده اقتصاد شهری توسط دو گروه از محققین در آمریکا در اواخر دهه ۱۹۵۰ شهرت یافت. یک گروه جانشینان «هیگ» بودند که در ۳۰ سال پیش روی اقتصاد منطقه شهری متروپلیتن نیویورک کار کرده بودند. آثار آنان در مطالعه رایموند ورتونز تحت عنوان متروپلیس در سال ۱۹۸۵ خلاصه شد که روی مکان یابی فعالیت ها در ناحیه شهری تأکید داشت(واعظی،جلیلی مهربانی،1395).

برای تعریف جامع از اقتصاد شهر مشکلاتی وجود دارد.اولین و احتمالا مشکل ترین آنها، این است که مطالعه اقتصاد شهری در یک زمینه خالص اقتصادی باید بر اساس یک ادراک کامل از چشم انداز تاریخی، سیاسی، جامعه شناسی، برنامه ریزی و جغرافیایی از فعالیت های شهری باشد. دومین مشکل از آنجا ناشی می شود که شهرها در یک نظام اقتصادی بزرگ تر قرار داشته و به طور گسترده تحت تأثير اقتصاد ملی و حتی جهانی نیز هستند. در نتیجه بسیاری از مسائل شهری را نمی توان در یک واحد جداگانه بررسی کرد، بلکه باید وابستگی و پیوستگی اقتصاد شهری را با نظام های اقتصادی فراگیرتر ملی و جهانی نیز مورد توجه قرار داد. بالاخره سومین مشکل به تعریف دقیق مرزهای فیزیکی اقتصاد شهری مربوط می شود. اگرچه اقتصاد شهری تقریبا به وسیله تمرکز و تخصصی شدن تولید ثروت و تکنولوژی در یک ناحیه مشخص می گردد، اما تعریف دقیق حدود جغرافیایی تمرکز شهری کار آسانی نیست (باتن ، ۱۹۷۶).

در اقتصاد شهری سعی می شود که مسائل مربوط به تخصيص عوامل تولید و توزیع در آمد واقعی در داخل و بین مناطق شهری، به طور عملی توضیح داده شود. به عبارت دیگر چگونگی تولید و توزیع کالا و خدمات نه تنها در داخل یک شهر، بلکه بین شهرها بررسی می شوند. بنابراین اقتصاد شهری و اقتصاد منطقه ای با هم پیوند خورده و در بسیاری از مطالعات، این دو شاخه علمی به صورت ترکیبی و تحت عنوان اقتصاد شهری و منطقه ای مورد بررسی قرار گرفته است. موضوعات اصلی اقتصاد شهری را می توان در شش موضوع دسته بندی کرد:|

١. نیروهای بازار در توسعه شهرها

۲. کاربری زمین در داخل شهرها

٣. حمل و نقل شهری

۴. مشکلات و مسائل شهری و سیاست عمومی

۵. مسکن و سیاست عمومی

6. هزینه ها و مالیات های دولت محلی (سولیوان، 1388: ۲۲)

وجه تمایز عمده اقتصاد شهری با سایر شاخه های علم اقتصاد در این است که سایر شاخه های اقتصاد به ویژه اقتصاد کلان، جنبه های فضایی را در نظر نمی گیرند، در حالی که اقتصاد شهری نه تنها روی جنبه های فضایی، به ویژه مکانیابی بنگاه های اقتصادی تمرکز میکند، بلکه شهرها را به عنوان مراکز فعالیت های اقتصادی محسوب می کند.

در سه دهه اخیر، اقتصاد شهری در ایران، همچون اقتصاد شهرهای آن، راه زوال را پیموده؛ زیرا به درستی یا به طور ماهوی درباره آن فکر نشده است. البته این راه زوال، به طور یکنواخت رو به سراشیبی نبوده بلکه فراز و فرود زیادی داشته است. (اطهاری، 1389) این زوال اقتصادی بخش اصلی آن مربوط به مدیریت شهری است که در طی سالیان طولانی تغییر چندانی در ساختار آن اتفاق نیفتاده است.مدیریت شهری با استفاده از درآمدهای ناپایدار به مدیریت شهر پرداخته است و نتیجه آن مشکلات فراوان در مباحث مختلف شده است.

در کشور ما ایران، رشد سریع جمعیت و رشد روز افزون جمعیت شهری بویژه شهرهای بزرگ از یک سو و همچنین تحولات عظیم اجتماعی، سیاسی که از اصلاحات اراضی شروع شده و باعث هجوم مهاجرت روستائیان به شهر و افزایش شهرنشینی گردید و با شروع جنگ تحمیلی هجوم بخش عظیمی از مرزنشینان جنگ زده به شهرهای بزرگ سهم شهر تهران به عنوان مرکز سیاسی، اقتصادی (پایتخت ایران ) بیش از شهرهای دیگر بوده تا جایی که تهران را به کلانشهری با حدود 10 میلیون جمعیت ثابت و 15 میلیون جمعیت شناور تبدیل نموده است (کامروا، محمدعلی،1391).

در عصر حاضر، مردم زندگی و فعالیت در شهر ها را در ارجحیت قرار می دهند ، با وجود اینکه زندگی مردم در شهرها از پیچیدگی اجتماعی برخوردار است و روی ابعاد فردی و اجتماعی شهروندان تاثیر می گذارد، اما مشکلات و مسائلی نیز برای شهروندان به همراه دارد (بازوند ی و شهبازی، 1393: 34 ). مشکلات فراوانی از جمله آلودگی های زیست محیطی، استفاده بیش از حد از منابع، اختلاف طبقاتی بین شهروندان، بزهکاری ها، مشکلات مسکن و جرم و جنایت ها و... در شهر وجود دارد که در دیگر مناطق کمتر به چشم می خورد که باعث تهدیدات جدی برای شهر و شهروند ان می باشد. در چنین شرایطی، ارزش زندگی شهروندان کم می شود و مدیریت شهری در برآورده کردن نیازهای ساکنان ناکام می ماند (عندلیب، ،37:1386)

امروزه درتمامی کشورهای دنیا ازکشورهای صنعتی پیشرفته تا کشورهای درحال توسعه وجهان سوم، شهرهای بزرگ و کلان شهرها محل تجمع جمعیت، سرمایه وامکانات رفاهی می باشند. بنابراین شهرها جایگاه و نقش خاصی درحوزه فعالیت های اقتصادی کشورها دارند و برای ادامه حیات شهرها، مدیریت اقتصادی یکی از مهم ترین برنامه های حاکمیت و مدیران شهریست. رابطه دولت واقتصاد شهری (نقش دولت درتوسعه و رشد اقتصادی) نوع نگرش دولت ها ازنظر روش های اثرگذاری ونقش درمدیریت اقتصادی شهر با هم متفاوت است.

درکشورهای سرمایه داری با اقتصاد آزاد حاکمیت شهری وهمراه آن مدیریت اقتصاد شهری با انتخاب ومشارکت مردم وشهروندان شکل می گیرد، ولی درکشورهای سوسیالیستی ومارکسیستی وبرخی ازکشورهای درحال توسعه دولت نقش حمایتی بیشتری درزمینه اقتصاد شهرها دارد ودر زمینه حاکمیت شهری، ریشه اصلی مشکلات شهری را تضاد طبقاتی و به ویژه ، دخالت واعمال نفوذهای مستقیم وغیرمستقیم می دانند.

بطور اساسی می توان گفت که دخالت مستقیم درحکم روایی محلی وسیاست های اقتصادی شهرها کمکی به پویایی، رشد واستقلال اقتصادی شهرها مخصوصا کلان شهرها نمی کند و کلان شهرها را به عنوان سیستمی اقتصادی، وابسته و ناکارآمد نشان خواهد داد درصورتی که دولت ها باید تامین کننده بخشی ازنیازهای ساختاری شهرباشند که خارج از توان اقتصادی شهرهستند ویا بخش خصوصی تمایلی به سرمایه گذاری ومشارکت درآنها نشان نمی دهد.

**انواع رویکردهای اقتصادی در شهر**

در اقتصاد شهری رویکردهای متفاوتی وجود دارد.از جمله این رویکردها عبارتند از (نیک کار، 1397):

**رویکرد راهبردی بازرگانی جدید**

باهدف حداکثرسازی مزایا وسود حاصل درتوسعه اقتصاد شهریست، هدف اصلی توانمدسازی درون سیستمی شهراست،حمایت ازشرکت ومنابع اقتصادی درون سیستمی شهر و ارتباط ترابری شهری آنها باهم برای بهره وری بیشتر وتامین منابع مالی مورد نیازآنها ازطریق بنگاهای مالی شهر .

**رویکرد بنگاه دارای مدیریت شهری (شهرداری ها)**

منظور از این دیدگاه حاکمیت غیرمتمرکز برشرکت های اقتصادی ومنابع اقتصادی شهراست مثل اماکن ورزشی \_ فرودگاها وبیمارستانها، وهدف اصلی کنترل سرمایه وسود حاصل ازاین فعالیت ها در درون سیستم مالی شهروکاهش میزان جابه جایی این سرمایه ها میباشد. درصورتیکه دریک کلان شهراین رویکرد غالب باشد باید با احتیاط لازم ، نگران یکسونگری حاکمیت شهری بود تا خود را درمقابل بخش خصوصی ومشارکتهای شهروندان نبیند، وبهترآنکه درکنار این رویکرد به مشارکت بخشهای عمومی وخصوصی مشتاق درپروژه های توسعه ای وسرمایه ای شهرتوجه داشته باشد.

**رویکرد تنظیم پیشرفت**

رویکرد حمایتی ونظارتی است برای ایجاد تعادل در زمینه های کاربریهای شهری اراضی شهری وخدمات شهری است .

**رویکرد سرمایه انسانی**

هدف اصلی استراتژی ایجاد مهارت ها ودانش مرتبط با شرایط کاری شهروندان می باشد، ازآنجایی که باور داریم سرمایه اجتماعی - انسانی بخش مهم سرمایه های یک شهر است باید به آموزش وتربیت نیروی انسانی فعال و مورد پرداخت که با انجام اصلاحات درسیستم آموزش حرفه ای وفنی و همکاری با مراکز دانشگاهی و بازآموزی وتقویت نیروی شاغل متناسب با تغییرات فناوری و مدیریتی درجهان می باشد.

**رویکرد توجه به صنعت گردشگری شهری**

این استراتژی ایده و نظر نگارنده است هرچند امروزه عقیده غالب برنامه ریزان و مدیران شهری بر این است که توسعه بخش گردشگری در شهر یکی از مهمترین راه­های تقویت اقتصاد شهریست.

حال با توجه به آنچه آورده شد، در غالب مدیریت­های اقتصاد کلان شهری، مهمترین منابع درآمد شهرداری­ها وصول عوارض و وجوه قانونی تعیین شده از جامعه شهریست. از درآمدهای حاصل از فروش تراکم در بخش مسکن گرفته تا سایر فعالیتهای شهروندان، از آنجاییکه این فعالیت­ها تابعیست از شرایط عمومی ملی و حتی منطقه ای، لذا این پرسش همواره وجود دارد که در شرایط رکود اقتصادی چه باید کرد؟ زمانیکه فعالیت­های بخش مسکن و ساخت و سازهای شهری کاهش یابد و یا بی اعتمادی شهروندان از برنامه ها و سیاستگزاران شهری موجب عدم مشارکت شهروندان شود، آنگاه تامین اعتبارات مالی شهر چه سرنوشتی را خواهد داشت؟ آنگاه چه راهکاری برای برون رفت از این مشکل باید اتخاذ شود ؟

به دلیل سال ها مدیریت نامناسب در حوزه شهری پاسخ به این سوالات با توجه به روند فعلی امری بسیار سخت و دشوار است. بنابراین ساختارهای موجود مدیریتی باید اصلاح گردد. تا زمانی که ساختار تغییر نکند مشکلات همچنان به وقت خود باقی خواهد ماند. ایده های مدیریتی جدید باید رویه های موجود را اصلاح نمایند.

**راهکار خروج از این مسئله**

**مدیریت یکپارچه شهری**

شهر ها امروزه به سرعت در حال رشد و توسعه می باشند و هم زمان مسائل و مشکلات شهر نیز پیچیده تر می شود ، پس اداره ی شهر ها نیز تبدیل به موضوعی خطیر و قابل توجه می شود ، و بدون شک یک مدیریت شهری موفق می تواند شهر را به سمت توسعۀ پایدار پیش ببرد و باعث افزایش رفاه ساکنان شهر شود (صرافی و عبد اللهی، 1387 ، 37 ).

در مواجهه با این چالش ها، رویکردهاي سنتی دشوار و ناکارآمد هستند و در نتیجه، اشکال جدید حکومتداري اهمیت می یابند. در میان این اشکال ، مدیریت یکپارچه شهري، یک مفهوم جدید است که ، تغییر در وضعیت اداري و نحوه تفکر تصمیم گیران در شکل گیري و اجراي سیاست هاي توسعه در سرزمین را بیان می کند. اساسا مدیریت یکپارچه شهري یک رویکرد مدیریتی است که با مدیریت مسائل بین رشته اي ، زمینه هاي سیاستهاي اقتصاد شهري را پوشش می دهد .

از آنجا که عملیات شهری دربرگیرنده تعداد زیادی از عناصر مرتبط با یکدیگر در سطوح مختلف تصمیم گیری است، رویکرد سامانه در مدیریت شهری برای ایجاد هماهنگی میان چالش ها در سطوح مختلف، یک ضرورت انکارناپذیر است. جان فریدمن معتقد است که یکپارچه سازی، رویای دیرین برنامه ریزان است (برک پور و اسدی، 118 :1388).

میتوان گفت که یکپارچگی مفهومی است در مقابل تفرق و تعدد، که این تفرق و تعدد میتواند در جنبه های مختلف عملکردی، سیاسی، برنامه ای و... اتفاق بیفتد و برای جلوگیری از نتایج سوء این تفرق، باید هماهنگی برقرار گردد. به نظر میرسد، در کشور ایران، مدیریت یکپارچه شهری به هیچ یک از اشکال پیشنهاد شده توسط صاحب نظران پیاده نشده و مدیریت مجموعه شهری تهران، نه تنها از نظر وظایف مدیریتی دچار تفرق و چندپارگی است، بلکه مشکل اساسیتر آن، تفرق در روابط میان نهادهای اثرگذار بر مدیریت شهری (تفرق عملکردی) است که موجب ناهماهنگیها و عدم توفیق مدیریت شهر است (برک پور و اسدی، 118 :1388).

کلیه مدیران شهري می خواهند اقتصاد هاي محلی آنها رشد کند ؛ اما رشد اقتصادي به طور خودکار باعث افزایش کیفیت زندگی براي شهروندان نمی شود و حتی اغلب به محیط زیست آسیب می رساند. درحالی که کلیه مدیران شهري به دنبال یافتن روش هایی براي ارتقاي رفاه شهر خود هستند ، چیزي که بیش از همه مشخص است، روش استراتژیک محوري است که براي رسیدن به هدف دنبال می کنند .

براي شناخت بهترین چشم اندازهاي رشد اقتصادي ، رویکرد دقیق تري مورد نیاز است . و به این معنی نیست که مدیران شهري باید خود را درگیر نوعی کسب و کار کنند ، بلکه در عوض رویکرد آنها باید با شناسایی و ارزیابی دقیقی از اینکه مزیت هاي رقابتی شهر در کجا نهفته است و گروه هاي فعال موجود در یک شهر پتانسیل تقویت شدن را دارند ، شکل بگیرد .

شهرها می توانند از طریق گفت و گوي مداوم با رهبران صنایع و ایجاد ارتباط بین کسب و کارها ، سرمایه گذاران و استعداد هاي مختلف و نیز برگزاري کنفرانس ها ، سازمان ها را در یک گروه انتخابی جذب کنند . شهرداري ها در این میان نقش مهمی دارند و می توانند از نفوذ و ارتباطاتی که دارند، استفاده کنند.

مدیران شهري خوب به رشد منطقه اي فکر می کنند ، نه فقط رشد شهر خودشان، چون با رشد کلان شهرها نیاز به همکاري با شهرداري شهرهاي حومه و بخش هاي خدماتی منطقه اي به وجود می آید . در غیر این صورت، رقابت محلی به کمبود یا مازاد سرمایه گذاري در زیرساخت ها منجر می شود ، چون این نگرانی وجود دارد که چه کسی براي چه چیزي سرمایه گذاري می کند و چه کسی از آن نفع می برد و در نتیجه بر سر نقش ها و مسوولیت ها بی نظمی ایجاد می شود . مدیریت شهري اطمینان از این امر است که اجزاي سیستم به گونه اي مدیریت شوند که امکان کارکرد هاي روزانه یک شهر را فراهم آورند و این امر موجب تسهیل و تشویق همه انواع فعالیت هاي اقتصادي شده و ساکنان را به برآوردن نیازهاي اولیه خود در مسکن ، دسترسی به تسهیلات و خدمات و فرصت هاي تولید درآمد قادر می سازد . ( Remezani,2014)

مدیریت یکپارچۀ شهري ، یکپارچه سازي سیاستی و حکومت شهري یکپارچه ، گویاي این است که سامانۀ برنامه ریزي و مدیریت قادر نخو اهد بود تعدد و تکثري را که در ماهیت پدیده هایی چون شهر ها و مناطق شهري وجود دارد ، بدون جامع در مجموع می نگري و یکپارچه سازي تصمیمها و سیاستهاي عوامل مختلف ، هدایت کند(Burkupour&Asadi,2009) .

میتوان گفت که در زمینۀ ضرورت یکپارچگی فرآیند مدیریت شهري ، بین اندیشمندان و صاحب نظران این رشته اتفاق توجه به توسعه ی شهر ها و مسائل و مشکلاتی که در شهر ها وجود دارد، مدیریت شهر به مسئولیتی سخت و پیچیده تبدیل شده است. برای اینکه فعالیت های شهری عملی شوند، نیاز به یک سری ابزار ها و پتانسیل ها و تخصص هایی دارد که مدیریت شهری باید آن را فراهم کند. مدیریت شهری باید تمام گروه ها و افراد ساکن در شهر را در نظر داشته باشد و بدون توجه به گروهی خاص و به طور متعادل نیاز همه ی ساکنان شهر را برآورده کند (Acioly,2003) مدیریت شهری نقش اساسی در زمینه ی تحقق توسعه ی پایدار و افزایش کیفیت رفاه در شهر دارد، در حقیقت شهر منشأ توسعه است، و همین امر مسئولیت مدیریت شهری را بسیار پررنگ تر می کند(صرافی و عبداللهی، ۱۳۸۷: ۱۲۱). یکی از دلایلی که اداره ی شهرها را با مشکل مواجه می کند عدم هماهنگی سازمان های دولتی و حکومتی با سیستم های اجرایی و کارکردی شهر است. برای اینکه مدیریت شهری موفق عمل کند و پروژه ها و فعالیت های شهری به درستی اجرایی شود، باید بین سیستم های حکومتی و اجرایی انطباق و هماهنگی وجود داشته باشد. در واقع با توجه به این مسئله که شهر محل فعالیت های مختلف از جمله، حمل و نقل، فضای سبز، جمع آوری زباله، تامین نیاز شهروندان و زیر ساختها و بسیاری از فعالیت های دیگر است بنابرین نیاز به مدیریتی یکپارچه است که تمام مسائل شهری را تحت کنترل داشته باشد، تا از مشکلات شهری نیز جلوگیری شود.

پس از آگاهی از تعاریف والگوها وتئوریهای مربوط به رابطه ونقش دولت ومدیریت اقتصاد شهری در دنیا به رویکردهای مهم توسعه اقتصاد شهری نیز باید توجه کرد وبه دنبال آن اصول مهم وحاکم براقتصاد شهری مثل اصل تجمع قابلیت دسترسی تعامل فضایی سلسله مراتب شهری واصل رقابت پذیری رابه دقت مورد بررسی قرار داد. برای عملی کردن برنامه ها وانتخاب یک الگوی درست درجهت اقتصاد شهری دریک کلان شهر مشخص، باید ابتدا شناخت کاملی از وضعیت اقتصادی شهرتوسط مدیریت شهری بدست بیاید که این امر بعد از شناسایی توان های محطیی وانسانی شهر و منطقه شهری حوزه نفوذ آن با توجه به شرایط جغرافیایی ومنطقه شهری وشرایط اداری - سیاسی حاکم(حاکمیت دولت ) امکانپذیر است .

برخی از مهمترین ویژگی های لازم جهت شناخت وضع موجود:

1 - ویژگی ساختار جمعیتی

2 - آمارمسکن از نظرپراکندگی سکونت گاهها وهزینه های اجاره ونرخ تمام شده برای ساخت هر متر مسکن دربخش های از مناطق مختلف شهر

3 - آماراقتصادی مثل درآمد خانوارها جمعیت شاغل و بیکار

4 - منابع طبیعی مثل آب وهوا، جنگل معادن ، شرایط توپوگرافی شهر

5 - زیرساخت های ارتباطی وخدماتی شهر ودیگر موارد لازم

وقتی مدیریت شهری اطلاعات درست وکاملی از داشته ها و نداشته های شهر و توانمندیها ونارساییهای سیستم تحت مدیریت خود داشته باشد، می تواند به امکانات وفرصتهای بیرونی نیز توجه کند و حتی چالش وتهدیدهای بیرونی را نیز مورد نظرقراردهد سپس به ارایه برنامه و راهکاری مناسب برای حفظ و بهبود شرایط اقتصادی شهرخود بپردازد . حال می توان گفت برای کلان شهری مثل تهران نمی توان ازیک الگوی خاص پیروی کرد بلکه باید ازترکیب چند الگو و پارادایم اقتصادی شهر متناسب با وضع موجود شهر و شرایط حاکمیت ملی و محلی استفاده و راهکاری برای استفاده بهینه از امکانات ومنابع برای توسعه اقتصاد شهری پرداخت.

**نتیجه گیری**

از دیر باز شهر نشینان براي حل مشکلات خود در شهر ، سازمانهایی را پدید آورده اند ، که هرکدام بخشی از این نیازها را مرتفع میکند . این اجزا شامل افراد و یا تشکلهایی است که به اشکال مختلف دولتی یا غیر دولتی در شهر ایجاد شده اند و با یکدیگر در ارتباط هستند . بسیاري از این سازمان ها یا نهاد ها ، دولتی یا حکومتی اند ، پاره اي نیمه دولتی و برخی هم در حوزه عملکرد بخش خصوصی قرار دارند . وظایف و حوزه نفوذ و عملکرد همه این سازمانها کم و بیش بر اداره شهر تأثیر میگذارد و ازسوي دیگر هیچ تصمیم مدیریتی در شهر نیست که مستقیم یا غیرمستقیم بر این سازمان ها تأثیرگذار نباشد .

هدف اصلی مدیریت واقتصاد شهر باید رسیدن به توسعه پایدار اقتصادی و متکی برسازمان شهرداری باشد تازمانی که بخش عمده ای ( 70 درصد)درآمد اقتصاد شهر فروش تراکم و مازاد تراکم است به هیچ عنوان نمی توان این نوع اقتصاد شهری را پویا دانست. پس بهتراست دولت وحاکمیت تعهداتی را که به مردم درکلان شهرها دارند به آن عمل و درکنار شهرداری ومدیریت شهری به عنوان یک حامی و پشتیبان، مدیریت شهری را در جهت رسیدن به اقتصاد پویا وپایدار کمک کند . ازنظرسیاسی، اداری و قانونگذاری نیز به جای محدودیتهای تنگ نظرانه ومنافع حزبی و گروهی، درقبال کمک های اجتماعی جهت توسعه زیر ساختها ونیازمندیهای شهروندان، انتظارمنفعت طلبانه ای نداشته باشد.

برخی از فعالیتهایی دراقتصاد درون سازمانی شهرنقش داشته و تحت تاثیرتصمیمات وسیاستهای حاکمیتی قرار دارند مثل گردشگری شهری، آموزش نیروهای انسانی ، سرمایه گذاری خارجی، همکاریهای فنی بین المللی بین کلان شهرها ، شرایط زیست محیطی وغیره.... که این عوامل لزوم همکاری وتعامل حاکمیت دولت ومدیریت شهری را ضروری می سازند.

در نظام مدیریت شهري ایران ، نقش شهرداریها در توسعه و عمران شهرها مهم و اساسی است . عرصه واقعی توسعه و گسترش شهرها تنها محدود به توسعه فیزیکی و افقی شهر نمی شوند بلکه رشداقتصادي ، اجتماعی ، فرهنگی ، زیست محیطی و غیره را نیز شامل می شود ، که براي دست یابی به آنها سازمان هاي مختلفی نقش دارند .

مدیریت یکپارچه شهری نظریه نوینی است که برای حل معضلات کنونی مدیریت شهری مطرح شده است. این رویکرد به دنبال کاهش دادن ناهماهنگی ها و تفرقه های موجود در نظام های مدیریت شهری است. از آن جایی که در ایران مدیریت شهری در اختیار سازمان ها و ارگان های مختلفی است مسائل و مشکلات شهرها روز به روز پیچیده تر و حادتر می شود، چرا که هر سازمان یا ارگانی با توجه به امکانات، محدوده وظایف و اختیارات خود به مسائل شهری نگاه می کند و دید جامع و یکپارچه ای وجود ندارد(رضوانی و دیگران ، 1392).

هر تصمیم به ظاهر کوچک میتواند تأثیري بزرگ بر مجموعه هاي دیگر بگذارد و ناهماهنگی یا تداخل وظایف ایجاد کند . به همین منظور مدیریت یکپارچه شهري در شهرهاي مختلف شکل گرفته تا تمام سازمان هاي مستقر در شهر تحت نظر یک سازمان به ارائه خدمات به شهروندان بپردازند . هدف مدیریت یکپارچه شهري اطمینان از این امر است که اجزا ي سیستم به گونه اي مدیریت شوند که امکان کارکردهاي روزانه یک شهر را فراهم آورند و این امر موجب تسهیل و تشویق همه انواع فعالیت هاي اقتصادي شده و ساکنان را به برآوردن نیازهاي اولیه خود درمسکن ، دسترسی به تسهیلات و خدمات ، و فرصت هاي تولید درآمد قادر می سازد .

**ارائه راهکارها برای بهبود مدیریت شهری در شهرهای ایران**

1-وحدت فرماندهی اولین و مهمترین مؤلفه در دستیابی به مدیریت یکپارچه شهري است . به دلیل وجود مراکز موازي و متعدد در نظام تصمیم گیري، مراکز تصمیم گیري مختلف باید ادغام گردد به صورتی که یک کانون رهبري فرا سازمانی یا نهادي به عنوان هماهنگ کننده کل سازمانهاي شهري براي سامان دادن به پراکندگی مدیریت امور شهري که متشکل از یک مرکز برنامه ریزي و تصمیم گیري فرا سازمانی و مرکزي براي مطالعه و طراحی قبل از برنامه هاي اجرایی و عملیات است ، وجود داشته باشد .

2- عدم انسجام در سیاست گذاري مدیریت شهري چه در سطح کلان و چه در سطح عملیاتی باعث شده که اجراي طرحهاي شهري با بسیاري از مشکلات رو به رو شود . براي دستیابی به مدیریت یکپارچه شهري ایجاد انسجام از طریق همبستگی و مشارکت بین مدیران سازمان و مدیران و کارکنان سازمانهاي متولی امور شهري و همچنین بین سازمانهاي متولی امور شهري و نیز متعهد کردن تمامی کارکنان سازمان نسبت به امور اجرایی، الزامی است .

3- ایجاد هماهنگی بین سازمانهاي متولی امور شهري از طریق ایجاد مراکزي که تصمیمهاي کلیدي و اساسی سازمان را اخذ میکنند .

4- ایجاد تفکر سیستمی با داشتن دیدگاه کل نگر در مواجهه با مسائل پیچیده شهري، داشتن دیدگاه مشترك میان اقدامات کاري سازمانهاي متولی امور شهري و نزدیکی دیدگاهها و اهداف به یکدیگر.

5- رسیدن به حکمرانی شایسته از طریق ایجاد نظام پیشنهادها و نظام مشورتی با کارکنان و شهروندان ، افزایش شفافیت ، مشارکت ، پاسخگویی، مسئولیت پذیري، قانونمندي یا قانونمداري با حذف قوانین و مقررات قدیمی، متناقض و متعدد در نظام شهري؛ یکپارچگی و انسجام در قوانین جاري، حضور و مشارکت واقعی و همه جانبه مردم و شهروندان در سرنوشت شهر و فرآیند تصمیم سازي و تصمیمگیري نظام شهري.

**منابع**

1. زنوز ، بهروز ، 1388 ، درآمدی بر اقتصاد شهر ، مجله اقتصاد شهر ، شماره اول ، 4-15
2. کمال اطهاری ، 1389 ، اقتصادی شهری و اقتصاد شهر در ایران ، مجله اقتصاد شهر ، شماره 7 ، 57-65
3. 1 .برک پور، ناصر و اسدی، ایرج، 1390 ،مدیریت و حکمروایی شهری، چاپ دوم، تهران ،انتشارات دانشگاه هنر .
4. عندلیب، علیرضا( 1386 )،فرایند نوسازی بافت های فرسوده شهرتهران، تهران: سازمان نوسازی شهر تهران
5. بازوندی، فرشاد ومهرداد شهبازی( 1393) ، نقش سرزند گی در ایجاد تصویر ذهنی شهروند ان و میزان بهره گیری از فضای شهری ،دوفصلنامه پژوهش های منظر ، شماره 1 ، 33-43
6. کامروا، سید محمدعلی، 1391 ،شهرسازی معاصر ایران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم.
7. رضویان ، محمد تقی ، سمندی ، زهرا ، صالحی ، مریم ، 1392 ، مديريت يكپارچه؛ راهكار توسعه پايدار شهر تهران ،همايش ملي شهرسازي و معماري در گذر زمان ، دانشگاه بین المللی امام خمینی قزوین
8. صرافی، مظفر و مجید عبد اللهی ( 1387) ، مفهوم شهروند ی و ارزیابی جایگاه آن د ر قوانین و مقررات و مد یریت شهری کشور، پژوهش های جغرافیایی، شماره 63
9. واعظی،سید علی ، جلیلی مهربانی ، مهدی (1395).جایگاه سرمایه های خصوصی در مدیریت اقتصاد پایدار شهری.مجله اقتصادی.شماره های 9 و 10 . 53-81
10. سالیوان ، آرتور(1388).مباحثی در اقتصاد شهری(چاپ سوم).ترجمه دکتر جعفر قادری،پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس،انتشارات نور علم
11. نیک کار، سعید (1397). دولت، حاکمیت و مديريت اقتصاد شهری.شومین همایش بین المللی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی.دانشگاه تهران
12. Button, K. J. (1976), Urban Economic, theory and policy, Macmillillan Publisher LtP, Hound Mills and London.
13. Ramezani Farkhad, Ahmad (2014), Review of the Articles of Integrated Urban Management, 6th National Conference on Urban Planning and Management
14. Acioly Claudio (2003) The Meaning and Scope of Urban Management: an introductory note”, in Sirry, Azza ‘Urban Management Practices in Secondary Cities in Egypt: the case of Belbeis’, Elias Modern Publishing House, Cairo , Egypt.
15. Barkupour, Naser, and assidi, Iraj (2009), Regionalization Strategy in the Governance of Metropolitan Area, Tehran, Research Deputy of the University of Art